

روزنه

دیدار پشت درهای بسته

● «سفر» نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل به وین، تلاشی است برای به‌وجودآوردن تردید درباره توافق هسته‌ای؛ محمدجواد ظریف، وزیر خارجه، در نامه‌ای به یوکیا آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درباره تبعات منفی سفر هیلی، بر توافق هسته‌ای هشدار داد. به گزارش روزنامه «واشنگتن‌پست» در بخشی از این نامه آمده است: «حتی پیش از انجام این سفر، نحوه برنامه‌ریزی و عمومی‌کردن آن و پیامی که مخابره می‌کند، تبعات مخرب قابل توجهی برای اجرای موفقیت‌آمیز برجام دارد.»

بعد از انتشار نامه ظریف، نیکی هیلی به آن واکنش نشان داد. «واشنگتن‌پست» به نقل از نماینده آمریکا در سازمان ملل می‌نویسد: «برای من جالب است که ایران نسبت به سفر من به وین نگرانی داشته باشد. اگر آنها چیزی برای پنهان‌کردن ندارند، نباید از اینکه من سؤالاتی از آژانس می‌پرسم، احساس نگرانی کنند». روز چهارشنبه، هیلی در جریان سفرش به وین، با مقامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پشت درهای بسته، درباره اجرای توافق هسته‌ای ایران و گروه A+ گفت‌وگو کرد.

نقض برجام ادعا شد

در بند ۲۶ تا ۲۹ توافق برجام به صراحت تأکید شده است که برجام با حسن‌نیت طرفین اجرا شود و هیچ مانع‌تراشی‌ای برای آن نشود. اگرچه وزارت خارجه آمریکا در زمان ریاست‌جمهوری ترامپ تاکنون پایبندی ایران به توافق را تأیید کرده اما ترامپ بارها برجام را «توافقی بد برای آمریکا» خوانده و عزم خود را جزم کرده و به پشتیبان خود مأموریت داده که دلایل کافی فراهم کند تا وی بتواند سه ماه دیگر که قرار است برای بار سوم نظر خود را در مورد پایبندی ایران به برجام به‌کنگره اعلام کند، این بار گواهی عدم پایبندی ایران را صادر کند. این می‌تواند اولین گام برای ازهم‌پاشیدن برجام باشد. البته اروپا و قدرکلی مورگنی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، توافق برجام را توافقی بین‌المللی خوانده و لزوم پایبندی به آن را تأکید کرده است.

سفر هیلی با کدام هدف؟

حالا آمریکا به دنبال این است که ثابت کند ایران به توافق برجام پایبند نیست و سفر هیلی در همین راستا ارزیابی می‌شود. هیلی، نماینده آمریکا درباره اهداف سفر خود به پایتخت تریس، مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به «رویترز» گفت هدف از این سفر، این است که واشنگتن بفهمد آیا آژانس از سیاست‌های نظامی ایران برای راستی‌آزمایی پایبندی این کشور به توافق هسته‌ای بازدید خواهد کرد یا نه. هیلی همچنین به روزنامه واشنگتن‌پست گفته است که آمریکا پیش‌فرضاتی درباره پایبندی یا نقض برجام از سوی ایران ندارد و در جریان دیدار با مقام‌های آژانس در پی یافتن «بیشترین اطلاعات ممکن» است. او با ادعای اینکه ایران در گذشته در سیاست‌های نظامی و دانشگاه‌هایش فعالیت‌های مخفیانه داشته است، گفت: «در این امکان از قبل مسائلی وجود داشت، بنابراین آیا آنها (آژانس) این موضوع را در بررسی‌هایشان می‌گنجانند تا اطمینان یابند که این مسائل دیگر وجود ندارد؟ آنها اکنون مجوز بررسی سایت‌های نظامی را دارند. آنها مجوز بررسی هر سایت مشکوک را دارند. مسئله این است که آیا این کار را انجام می‌دهند یا نه.» هیلی در ادامه مدعی شد که برای پرسیدن سؤال به وین سفر می‌کند نه اینکه آژانس را برای انجام کاری تحت فشار قرار دهد.

هیلسی می‌خواهد از آژانس بپرسد: «آیا شما همه چیز را زیر نظر دارید؟ آیا شما از مکان‌هایی که زمانی در گذشته فعالیت‌های مخفیانه در آنها انجام می‌شد، بازرسی می‌کنید؟ آیا می‌توانید به این مکان‌ها دسترسی داشته باشید یا اینکه به تأخیر افتاده‌اند؟ آیا به شما اجازه ورود به این سایت‌ها داده شده است؟

اگر بارها آمریکا این ادعا را مطرح کرده که ایران به دنبال برنامه هسته‌ای غیرصلح‌آمیز است، ایران هم بارها به این ادعا پاسخ داده است. بازدید از سایت «پارچین» توسط آمانو و قبل از آن بازدید از «فردو» این گفته را ثابت کرده است. البته در توافق برجام مسئله PMD حل شده است و این ادعای دوباره آمریکا نوعی نقض توافق برجام است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس توافق برجام مسئولیت فنی نظارت بر حسن اجرای تعهدات ایران را بر عهده دارد. آژانس در گذشته در تمامی گزارشات خود از فعالیت‌های هسته‌ای ایران عنوان کرده که هیچ شواهدی دال بر وجود انحراف در مواد و تأسیسات هسته‌ای در ایران وجود ندارد.

ایران و آمریکا به دنبال چه چیزی هستند؟

اما ایران نمی‌خواهد آغازگر نقض برجام باشد؛ حسن روحانی هم در روز تحلیف رئیس جمهوری، در تاریخ ۱۴ مرداد در مجلس شورای اسلامی گفت: ایران آغازگر نقض برجام نخواهد بود، اما در مقابل اقدام‌های آمریکا واکنش متناسب نشان خواهد داد. از طرفی ۲۰ ماه از اجرائی‌شدن برجام می‌گذرد، آژانس تاکنون مرتباً پایبندی ایران به اجرای توافق هسته‌ای را تأیید کرده است. ایران هم بارها موارد نقض برجام و خدشه به روح آن توسط آمریکا به گوشه‌زد کرده است. ترامپ استدلال می‌کند که به دنبال برهم‌زدن برجام نیست بلکه هدف او مذاکره مجدد و تغییر برجام است. اما دو راهی که ترامپ در پیش گرفته، هر دو «ره به ترکستان» است؛ مذاکره مجدد یا لغو برجام هر دو ناممکن است.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

برجام چگونه سندی است و در صورت نقض احتمالی آن چه می‌توان کرد؟

کوروش احمدی - کارشناس روابط بین‌الملل



عکس Reuters

دعوت می‌کند که از اجرای برجام حمایت کنند. آنچه در مرکز این بحث قرار دارد عبارت «calls upon» در ابتدای این بند است. به‌طورکلی، در مورد تعبیر «calls upon» در بین حقوق‌دانان برخی اختلاف‌نظرها وجود دارد. برخی برآنند که از این‌ تعبیر ایجاد الزام حقوقی مستفاد می‌شود و برخی دیگر کاربرد آن را گویای قصد توصیه‌ای شورا می‌دانند. استفاده از عبارت «calls upon» در مواد ۳۳ و ۴۱ منشور و نیز نحوه کاربرد این عبارت در برخی از قطع‌نامه‌های پیشین شورا منبای اصلی استدلال گروه نخست است.

در مقابل، گروه دوم به رویه شورا در یکی، دوده‌خیز در نحوه استفاده از این عبارت که عمدتاً هدف توصیه‌ای داشته، در مقایسه با استفاده از عبارات دیگری به‌ویژه «decides that all Member States shall» که بارها برای ایجاد الزام حقوقی استفاده می‌شود، استدلال می‌کند. از جمله اینکه شورا در همین قطع‌نامه ۲۲۳۱، تمایز آشکاری بین دو نوع تعبیر اشاره‌شده قائل شده و به‌وضوح نشان داده که از «calls upon» به قصد توصیه استفاده کرده است.

به عنوان مثال، در بند ۷ (b) قطع‌نامه ۲۲۳۱، عبارت «All States shall comply with» در ارتباط با برخی امور و عبارت «All States are called upon to comply»، در ارتباط با برخی دیگر از امور به کار رفته که بسیار جالب و درعین‌حال گویاست. به‌علاوه، قصد کشورهای ۵+۱ و ایران که پیش‌نویس این قطع‌نامه را تهیه کرده‌اند نیز مهم است. مشکل می‌توان تصور کرد که این کشورها درباره برجام به عنوان سندی حای «تدابیر داوطلبانه» مذاکره کرده باشند و سپس خواسته باشند از طریق یک قطع‌نامه شورا، آن را به سندی الزام‌آور تبدیل کنند. به‌علاوه، مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز حداقل در رابطه با قطع‌نامه ۲۲۳۱، قائل به توصیه‌ای بودن عبارت «calls upon» هستند؛ کما اینکه بند ۳ پیوست B قطع‌نامه که به بحث موشکی ایران اختصاص دارد، با همین عبارت «calls upon» شروع می‌شود و ایران همیشه تأکید کرده که از این طریق از ایران دعوت شده تا فعالیت‌های موشکی را متوقف کند و یک الزام حقوقی برای ایران ایجاد نشده است. این در حالی است که در بند مشابه در قطع‌نامه ۱۹۲۹؛ یعنی بند ۹، از عبارت «Decides that Iran shall not undertake...» استفاده شده است.

ادامه از صفحه ۱۹

بنوده، اما می‌توان حدس زد که هیئت مذاکره‌کننده ایرانی با درایت و مال‌اندیشی بر داوطلبانه‌بودن تعهدات خود اصرار داشته است. چون آنچه ایران با هدف اعتمادسازی متقبل شده، ورای تعهدات ایران در چارچوب معاهدات خلج‌سلاحی، از جمله ان‌پی‌تی و نیز اساسنامه آژانس و موافقت‌نامه پادمان است. اگر این تعهدات در قالبی غیر از این؛ یعنی در قالبی الزام‌آور، تقبل می‌شد، می‌توانست منشأ لطمه‌ای اساسی به حقوق هسته‌ای کشور باشد. تأکید دولت بر عدم ضرورت تصویب برجام در مجلس نیز از همین ملاحظه حقوقی نشئت می‌گرفت. قطعاً، تصریحات روشن مندرج در برجام دارای اهمیت زیادی از نظر حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورهای طرف برجام است؛ از جمله آنکه این توافق سیاسی یک دیپلماتیک حقوق و تکالیف هیچ‌یک از طرف‌ها، از جمله ایران و آژانس را تحت‌تأثیر قرار نمی‌دهد و الزامی حقوقی برای آنها ایجاد نمی‌کند.

اثرات حقوقی قطع‌نامه ۲۲۳۱ بربرجام

سؤالی که بعداً به وجود آمد این بود که آیا تأیید برجام ازسوی شورای امنیت که در قطع‌نامه شماره ۲۲۳۱ انجام شد، تغییری در ماهیت حقوقی برجام ایجاد کرده یا خیر.

در این رابطه، برخی اظهارنظر کرده‌اند که اگرچه برجام مبتنی بر «تدابیر داوطلبانه» است، اما تأیید آن توسط شورای امنیت موجب الزام‌آورشدن آن در چارچوب منشور شده است. برخی نیز برعکس برآنند که بند مربوطه، یعنی بند دوم اجرائی قطع‌نامه جنبه توصیه‌ای دارد و تنها از کشورها

توافق حقوقی ساده «شامل قراردادهای جزئی، تنظیم برنامه‌های همکاری، انجام معاملات و انعقاد توافق بر اساس اجازه مقدم و مبادله یادداشت می‌شوند». در این سند همچنین از «توافق زائتی» نیز امضا شده یا صرفاً حاوی مجموعه‌ای از تعهدات سیاسی داوطلبانه است که در قالب یک «برنامه عمل» تنظیم شده است؟ در حقوق بین‌الملل و نیز حقوق داخلی کشورها، معاهده یا پیمان یا کنوانسیون به گونه‌ای از ابزارهای حقوقی گفته می‌شود که پس از مذاکره با دیگر کشورها به تصویب مجالس ملی قانون‌گذاری می‌رسد و از جهت الزام‌آویزون در داخل کشور هم‌تراز قوانین مصوب داخلی است. معمولاً اولین نکته‌ای که در ابتدای هر مذاکره بین‌المللی باید مشخص شود، این است که قصد طرف‌های مذاکره از نقطه‌نظر خروجی مذاکرات چیست. آیا قصد این است که یک معاهده یا توافق‌نامه حقوقی الزام‌آور معتقد شود یا یک سند غیرالزام‌آور که فقط گویای اراده سیاسی طرف‌های ذی‌ربط به انجام برخی اقدامات باشد. از آنجا که یک معاهده باید به تصویب مجلس ملی برسد و نه‌تنها برای دولت وقت، بلکه برای دولت‌های بعدی نیز الزام‌آور باشد، اساساً نحوه برخورد کشورها از ابتدا با چنین مذاکراتی متفاوت است و اراده سیاسی ویژه و کسب آمادگی و مقدمات متفاوتی را ایجاب می‌کند.

با توجه به اینکه ایران و آمریکا طرف‌های اصلی برجام هستند، اشاره‌ای مختصر به سنت حقوقی در این دو کشور از نظر پذیرش تعهدات خارجی ضروری است: در آمریکا توافقات بین این کشور و کشورهای خارجی به‌طور کلی به سه دسته، شامل معاهده، موافقت‌نامه اجرائی و توافقات غیرحقوقی که بیشتر به «تعهدات سیاسی» مشهورند، تقسیم می‌شوند. یک معاهده (treaty) بعد از اینکه به‌عنوان معاهده و با علم به خروجی الزام‌آور آن مورد مذاکره قرار گرفت، باید مطابق قانون اساسی آمریکا مورد تأیید (advice and consent) کنگره قرار گیرد و متعاقباً «تصویب» رئیس‌جمهور برسد. سندی که به این شکل مورد مذاکره و تأیید نهایی قرار می‌گیرد، نه‌تنها برای دولت و کنگره وقت، بلکه برای دولت‌ها و کنگره‌های بعدی نیز الزام‌آور است؛ مگر آنکه ترک آن به نحوی پیش‌بینی شده باشد. موافقت‌نامه اجرائی (agreement executive) نوعی از موافقت‌نامه است که رئیس‌جمهور وقت صرفاً بر مبنای اختیارات اجرائی خود برای اداره سیاست خارجی مطابق قانون اساسی مورد مذاکره قرار می‌دهد و امضا می‌کند. چنین موافقت‌نامه‌ای برای همان رئیس‌جمهور الزام‌آور است و جانشین او ملزم به تبعیت از آن نیست. یعنی با تغییر شرایط سیاسی، دولت جدید ممکن است تصمیم به ترک موافقت‌نامه‌های اجرائی پیشین بگیرد.

البته در حدفاصل معاهده و موافقت‌نامه اجرائی، «موافقت‌نامه‌های اجرائی-تقنینی» نیز وجود دارند که یا بر اساس معاهدات موجود یا قوانین پیشین یا آتی کنگره شکل می‌گیرند و می‌توانند طبیعی از الزامات حقوقی را موجب شوند. با توجه به تعریف ارائه‌شده در مواد یک و دو کنوانسیون قانون معاهدات ۱۹۶۹، می‌توان معاهدات و نیز توافقات اجرائی در حقوق آمریکا را در شمول این کنوانسیون به‌شمار آورد. در حقوق داخلی آمریکا، از توافقات غیررسمی و غیرالزام‌آور یا تعهدات سیاسی (که از نظر دولت آمریکا برجام یکی از آنها است) نیز سخن می‌رود. «تعهدات سیاسی» اصطلاح تکنیکی جاف‌فاده‌ای در حقوق و سیاست داخلی آمریکا برای توافقات غیرالزام‌آور است. این نوع توافقات به طرف‌های ذی‌ربط امکان می‌دهد تا تعهداتی را عهده‌دار شوند و قصد عمل به آنها را نیز داشته باشند، بدون اینکه بخواهند به دشواری‌های عبور از مسیر سخت پارلمان و روند گزارش‌دهی مربوطه گردن نهند. تعهدات سیاسی اگرچه در چارچوب حقوق داخلی آمریکا و حقوق بین‌الملل الزام حقوقی ایجاد نمی‌کند، اما قطعاً منشأ انواع فشارهای غیرحقوقی، اخلاقی و سیاسی برای پایبندماندن طرف‌ها به آنها هستند.

طیف مشابهی از انواع توافقات به شرح فوق تقریباً در همه کشورهای، ازجمله در ایران، نیز وجود دارد. این‌ها معمولاً «چگونگی تنظیم و انعقاد توافقاتی

ادامه از صفحه ۴

اولین دیدار کرباسیان با بورسی‌ها

به‌هررو، شاید آقای کرباسیان نقش و جایگاه بازار سرمایه را برای آینده برنامه‌های کاری خودشان بررنگ‌تر دیده‌اند؛ یعنی به نظر می‌رسد بازار سرمایه را به‌عنوان کمک‌حال برای پیشرفت برنامه‌های اقتصادی‌شان در نظر گرفته است. توانمندی بازار سرمایه در تأمین‌کنندگی مالی، می‌تواند نه آقای کرباسیان بلکه هر وزیری را به فکر بیندازد. به گفته میرمعینی، به‌هرروی در گذشته که آقای کرباسیان برنامه‌های خودش را بررسی و تدوین می‌کرده، متوجه مشکلات بازار سرمایه شده و تصمیم گرفته تا یکی از اولویت‌های خود را بر بازار سرمایه متمرکز کند. در این میان در پاسخ به اینکه آیا آقای وزیر می‌تواند با یک دستور تغییرات محتوایی و جدی در بورس ایجاد کند یا خیر، خوب به نظر نمی‌رسد که این موضوع چندان قابل محقق‌شدن باشد، مگر اینکه چشم‌انداز مثبتی بین فعالان بازار سرمایه شکل بگیرد، اما اینکه روند رونق چگونه شکل می‌گیرد و آیا وزارت اقتصاد می‌تواند به‌عنوان یک نهاد متولی اقتصاد کشور در بازار سرمایه تأثیرگذار باشد یا خیر؟ باید گفت، اگر اقتصاد بر محور یک فرماندهی واحد می‌بود و وزارت اقتصاد به شکل مشخص می‌توانست فرمانده برنامه‌های اقتصادی کلان و همه‌جانبه باشد، امکان این وجود داشت که اتفاق بسیار مثبتی برای بورس از سوی آقای کرباسیان رخ دهد. این کارشناس بازار سرمایه تأکید می‌کند: اما به‌رحال این منوط به این بود که وزیر اقتصاد به‌عنوان فرمانده کل قوای اقتصادی شناخته شود. گذشته از اینها به‌حتم یکی از ابزارهای مهم اقتصاد ایران، بازار سرمایه است، ولی اینکه وزارت اقتصاد تا چه اندازه می‌تواند بر این روند اثرگذار باشد، محل تردید است. به‌رحال تابعیت بازار سرمایه از وزارت اقتصاد می‌تواند باعث اتاری شود؛ مثلاً اگر وزیر اقتصاد در مدیران سازمان متولی بازار سرمایه، تغییراتی ایجاد کند، به‌قطع تغییرهایی در رویکرد بورس خواهد داشت. او ادامه می‌دهد:

هرچند برای این موضوع در وهله نخست، وزیر اقتصاد باید احاطه کاملی بر کارکردهای بازار سرمایه، جایگاهش و آثارش داشته باشد. وزیر اقتصاد از یک‌سو باید بتواند مسئولان بالادستی از اعضای هیئت دولت را توجیه کند که اگر قرار است بازار سرمایه اثرگذاری در کشور داشته باشیم، باید چه نوع تغییراتی در آن اعمال شود. به گفته میرمعینی، از سوی دیگر هم خودش باید به‌عنوان یک پیش‌راننده اقتصادی به سازمان بورس بنگرد و براساس یک برنامه جامع این نهاد را در جهت توسعه اقتصادی به کار بگیرد.

موفقیتی دیگر برای خانواده بزرگ محک

افتتاح اولین مرکز غیردولتی پذیره‌نویسی سلول‌های بنیادی خون‌ساز

بار دیگر آرزوهای بزرگ بانیان در کنار همت‌های بلند نیکوکاران ایران زمین قرار گرفت و با افتتاح "مرکز پذیره‌نویسی سلول‌های بنیادی خون‌ساز" زیر ساخت دیگری برای افزایش امید به بهبودی کودکان مبتلا به سرطان فراهم شد.

آرزوی هر روز ما این است که سلامتی و بهبودی سهم کودکان بیشتری باشد.

برای تحقق این آرزو به ما پیوندید.

روش‌های حمایت از کودکان محک:

شماره کارت: ۰۵۹۰-۹۹۵۰-۹۹۱۱-۰۳۷۰۶

۰۲۳۵۴۰-۰۲۱ | ۰۳۳۵۴۰# *۷۸۰

از اینکه به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم.

تلفن بازدید از محک: ۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰

محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org